

جایگاه هنر در الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت

محمد خراسانی زاده / دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.*
honarenab@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱

چکیده

هنر، زبان گویای تمدن‌ها و ظرف عینیت بخشیدن به فرهنگ و اعتقادات آن‌هاست. در تمدن‌های آینده بشر نیز هنر در تمام مراحل شکل‌گیری، تثبیت و گسترش، نقش به‌سزایی دارد و اگر قرار باشد نقشه راه و الگویی برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی مدنظر قرار گیرد، لازم است ارتباط تنگاتنگ پدیده‌های هنری با این تمدن، به‌عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار و جهت‌دهنده مورد توجه باشد. الگوی پایه، تعیین‌کننده چارچوب‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که مسیر حرکت مطلوب کشور به سمت تمدن نوین اسلامی را در نیم‌قرن آینده مشخص می‌نماید که به‌همراه فراخوان تکمیل و ارتقای آن، توسط رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، به‌صورت عمومی منتشر گردید. مقاله حاضر، در پاسخ به این فراخوان و در راستای بررسی عمیق و تخصصی این سند، در حوزه هنر به‌رشته تحریر درآمده تابسنجد که هنر به چه میزان در الگوی پایه، مورد توجه قرار گرفته است؟ همچنین این مقاله در پی یافتن پیشنهادها و راهکارهایی برای بهبود سند الگوی پایه، در مباحث مربوط به هنر است. این پژوهش از لحاظ هدف، یک تحقیق توسعه‌ای محسوب می‌شود و روش آن، پژوهش کیفی با رویکرد تحلیلی - توصیفی است و بر اساس برخی منابع کتابخانه‌ای به‌همراه تحلیل‌ها و نقطه‌نظرات محقق و دستاوردهای علمی پژوهش‌گران، ارائه شده است. ضمن این پژوهش، مشخص شد که در کل سند پایه، تنها پنج بار، به‌صورت پراکنده و غیرسازمان‌یافته به‌مقولات مرتبط با هنر پرداخته شده و غفلت چشم‌گیر نسبت به حوزه هنر در سند به چشم می‌خورد. از این رو یازده پیشنهاد مشخص جهت تکمیل و ارتقای سند الگوی پایه در این حوزه، ارائه گردید.

کلیدواژه‌ها: هنر، الگوی پایه، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تمدن نوین اسلامی، انقلاب اسلامی ایران.

مقدمه

هنر در تمدن‌های مختلف بشری، همواره یکی از عوامل تعیین‌کننده بوده است؛ تا آن‌جا که بسیاری از تمدن‌ها را بر اساس آثار هنری برجای‌مانده از آن‌ها معرفی می‌کنند. قرابت کارکردی میراث هنری یک تمدن با اصل آن تمدن تا بدان‌جا پیش می‌رود که در مطالعات تاریخی، امکان تفکیک این دو پدیده از یکدیگر دشوار بوده و غالباً به تاریخ «هنر و تمدن» در کنار یکدیگر پرداخته می‌شود. به‌عنوان نمونه، اگر قرار باشد تمدن ایران باستان بدون اعتنا به دست‌آفریده‌های هنری آن مطالعه شود، بخش عمده‌ای از معلومات نادیده گرفته خواهد شد و بر همین اساس، «هنر و تمدن ایران باستان» به‌عنوان موضوعات درهم‌تنیده و وابسته به یکدیگر، مورد بحث قرار می‌گیرد. در هر دوران، عصاره تفکر، اعتقاد، فرهنگ و آداب و رسوم هر ملتی در قالب هنر، خود را می‌نمایاند و میراث معنوی تمدن‌ها به‌واسطه هنر ماندگار می‌گردد و به تعبیر رهبر انقلاب اسلامی:

«بدون هنر، حرف عادی، جای خودش را حتی در ذهن کسی پیدا نمی‌کند، چه برسد به این‌که جذابیت داشته باشد و جای‌گیر و ماندگار شود. هنر مهمترین وسیله است برای گسترش یک فکر درست یا نادرست» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸).

همین قابلیت‌های هنر است که سبب شد پادشاهان و حکمرانان، چه با داعیه عدالت‌گستری و چه با کارنامه‌ای سرشار از ظلم و فساد، آن را مهمترین ابزار جاودانه ساختن خویش بیابند و از آن برای نمایش شکوه و عظمت حکم‌فرمایی و تثبیت قلمرو خود بهره‌جویند. احداث و تزیین بناهای پرابهت شاهانه و ابنیه عام‌المنفعه، نقوش برجسته بزرگ و کوچک در دیواره کوه‌های سربه‌فلک‌کشیده یا الواح کوچک سنگی، خط‌نوشته‌هایی با کارکرد اعلان یا روایت وقایع، مجسمه‌ها و تندیس‌های بزرگان، اشیاء کاربردی و آیینی از جنس سفال و چوب و سنگ و مفرغ و زر و سیم و...، کتاب‌های نفیس و نگاره‌های پر زرق و برق، اشعار و متون ادبی، نمایش‌ها و آیین‌های گوناگون، موسیقی‌ها و آوازها و مجالس بزم و سایر آثار هنری، همه و همه نمونه‌هایی از حضور

پررنگ هنر در حکومت‌ها و تمدن‌های مختلف تاریخ بشر است. این موضوع در خصوص حکومت‌ها و تمدن‌های دینی نیز مطرح است؛ چنان‌که قرآن کریم در خصوص آثار هنری دوران حکومت حضرت سلیمان نبی علیه السلام نمونه‌هایی را ذکر می‌کند:

«برای او (سلیمان) هر چه می‌خواست از نمازخانه‌ها و مجسمه‌ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگ‌های چسبیده به زمین می‌ساختند»
(سبأ، آیه ۱۳)،

یا

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر تکرار چندین باره آیات بر فراگیران در مقام آموزش، از جلوه‌های آوایی و هنری نیز در انتقال کلام الهی به مخاطبان به‌ویژه در مقام تبلیغ، استفاده نموده است. بهره‌گیری از همین هنر تأثیرگذار، باعث جذب گروه‌های بسیاری به اسلام شده است» (کردلویی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱)،

یا توصیه‌های مهم امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خصوص شیوه‌های خوشنویسی، در روایات دینی اشاره شده است:

«به‌کاتب خود، عبیدالله پسر ابی رافع فرمود: در دوات خود لایقه بینداز، نوک قلم را دراز کن، میان سطرها فاصله قرار ده، حروف را نزدیک هم بنه، که این کار برای زیبایی خط سزاوارتر است» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱۵).

حتی تمدن اسلامی که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - به‌جز اندک زمانی - به‌مسیری غیر از آن چه ایشان ترسیم کرده بودند، رفت و بسیاری از سردمداران حکومت‌های به‌ظاهر اسلامی، خلاف دستورات دین اسلام عمل کردند، مهمترین نماد خود را در آثار هنر اسلامی متبلور ساخت که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، برگرفته از آموزه‌های دینی، خلق شده بودند.

تاریخ نشان داده هر تمدنی که هنر را هوشمندانه‌تر و حساب‌شده‌تر به‌کار گرفته و ظرفیت‌های آن را بهتر شناخته است، بیشتر توانسته ایده خود را به اجرا درآورد و

پیام خویش را ماندگار سازد و با هزینه کم‌تری، جمعیت انبوه‌تری را با گفتمان خود همراه سازد. این نکته، در خصوص تمدن‌های زنده و جاری انسانی هم وجود دارد. به‌عنوان نمونه، تمدن غرب (به‌معنای عام آن) با استفاده از ابزار هنر و رسانه، تفکرات و ارزش‌های خود را که غالباً مادی‌گرایانه است، به‌طور گسترده‌ای رواج می‌دهد و مخاطبان را با هر دین و نگاه و سلیقه‌ای، به‌رفتار در چارچوب گفتمانی خود وامی‌دارد. درباره تمدن‌های آینده بشر نیز هنر، در تمام مراحل شکل‌گیری، تثبیت و گسترش، نقش به‌سزایی دارد و اگر قرار باشد نقشه راه و الگویی برای دستیابی به «تمدن نوین اسلامی» مدنظر قرار گیرد، لازم است ارتباط تنگاتنگ پدیده‌های هنری با این تمدن، به‌عنوان مؤلفه‌ای تأثیرگذار و جهت‌دهنده مورد توجه باشد.

اکنون که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قرار است مسیر حرکت جمهوری اسلامی ایران در طی نیم‌قرن آتی را با افق نیل به تمدن نوین اسلامی، تعیین نماید، سزاوار است جایگاه شایسته و بایسته‌ای برای هنر ترسیم گردد و نمی‌توان سهل‌انگارانه، این موضوع حساس را به‌حال خود رها ساخت و توقع توفیق در سایر زمینه‌ها داشت.

در حال حاضر، الگوی پایه، به‌عنوان سند اولیه این الگو ارایه شده و در معرض نقد و نظر اصحاب اندیشه قرار گرفته تا اصلاح و تکمیل شود و نسخه ارتقاء یافته آن آماده شود. این سند، اگرچه نتیجه تلاش‌های متعدد و متنوع اساتید و اندیشمندان در عرصه‌های مختلف است، اما به‌نظر می‌رسد نسبت به عرصه‌های مرتبط با هنر آن چنان که باید برنامه و تدبیر و راهکار شفاف و مدونی ندارد که در این پژوهش، به‌همین مسئله پرداخته می‌شود.

ضرورت و اهمیت این پژوهش، بیش از آن که مستقیماً به پاسخ‌ها و راهکارهایش مربوط شود، آن است که تلنگری برای تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کلان کشور باشد که به‌نقش محوری و تعیین‌کننده هنر، به اندازه اهمیتش توجه نموده و در تدوین اسناد بالادستی، به‌سادگی از کنار این پدیده حساس نگذرند و در برنامه‌ریزی‌ها و ریل‌گذاری‌های کلان، نقش و جایگاه هنر را در جهت نیل به تمدن نوین اسلامی، مورد توجه قرار دهند.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۹۷ هجری شمسی توسط رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای ابلاغ گردید. ضمن این ابلاغ، ایشان از دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و صاحب‌نظران خواستند که این سند را عمیقاً بررسی نمایند و با ارائه پیشنهادهای مشخص برای ارتقای آن، بیش از پیش در ترسیم هدف و مسیر پیشرفت کشور مشارکت جویند. در پاسخ به این فراخوان، مقاله حاضر قصد دارد جایگاه هنر را در سند الگوی پایه مورد بررسی قرار داده و در حد وسع، راهکارها و پیشنهادهایی را برای تکمیل این سند در عرصه‌های مرتبط با هنر، ارائه نماید. لذا سؤال اصلی پژوهش این است که حوزه‌های مرتبط با هنر، به چه میزان در سند الگوی پایه مورد توجه قرار گرفته است؟ سؤال دیگر این که چه پیشنهادهایی را می‌توان برای تکمیل سند الگوی پایه در عرصه هنر مطرح نمود؟

پیشینه پژوهش

در این بخش، تعدادی از پژوهش‌هایی که به‌واسطه توجه به جایگاه هنر در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تمدن نوین اسلامی، به‌نوعی با موضوع تحقیق حاضر قرابت دارند، معرفی شده‌اند. یکی از این موارد، مقاله «ضرورت توجه به نقش هنر در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جهت تأمین امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران» است که توسط بشیر اسماعیلی و مجید کافی (۱۳۹۷) به‌رشته تحریر درآمده است. در این مقاله، امکانات و قابلیت‌های هنر برای شرکت در فرایند امنیت‌سازی نرم کشور در راستای تحقق اهداف چندبعدی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بررسی شده است. پژوهش دیگر، مقاله‌ای است با عنوان «طرح پیشنهادی برای پیشرفت هنرهای سنتی در چهارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» به‌قلم اعظم ملایی و دیگران (۱۳۹۲) که بر اساس اسلام‌محوری و بومی‌گرایی، در قالب یک بررسی اکتشافی، طرحی برای پیشرفت هنرهای سنتی در قالب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ارائه

نموده است.

مقاله «تبیین ماهیت و ظاهر هنر اسلامی به‌عنوان عاملی مؤثر در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و جهانی شدن آن» اثر ناصر مقدم‌پور (۱۳۹۴) نیز ضمن بررسی کلی خصوصیات هنر اسلامی در دوران گذشته و ارزیابی نقاط ضعف و قوت آن در حال حاضر، به‌دنبال آرایه‌ اصول و الگوهای برای هنر اسلامی مطلوب در تمدن نوین اسلامی با تأکید بر نقش تعلیمی آن است. همچنین مصطفی‌سیاسر (۱۳۹۴) در مقاله «تأملی بر ظرفیت‌های تمدنی هنر اسلامی»، رویکرد تمدنی به هنر اسلامی را ملازم با ایجاد فهم تمدنی از هنر و امتداد محتوای یک تفکر و فرهنگ تا مقیاس تمدن می‌داند و با این رویکرد، سه ظرفیت هنر را به‌طور خاص مورد بحث قرار می‌دهد که عبارتند از ماندگاری فرهنگ و تمدن اسلامی، تجسم و تعیین کمال انسانی و تمدنی در جامعه اسلامی و نهایتاً دمیدن روح وحدت و انسجام در کالبد تمدن اسلامی.

از میان دیگر مقالاتی که تا حدی به‌موضوع پژوهش حاضر مرتبط هستند، می‌توان به مقاله «طراحی معماری مسجد برگرفته از قرآن کریم در راستای خلق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای معماری مسجد» به‌همت حسن ستاری ساربانقلی (۱۳۹۵) اشاره نمود که به‌بررسی موارد طرح شده مسجد در متن قرآن کریم در وهله نخست و سپس تحلیل محتوای مضمون معماری حاصله از بستر قرآنی در راستای بهره‌گیری برای تدوین مهمترین معیارها و مؤلفه‌ها برآمده است.

اگر چه نمونه‌هایی از پژوهش‌های مرتبط با حوزه‌های مختلف هنر با نگاه به‌تمدن نوین اسلامی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در این قسمت معرفی شدند، اما هیچ‌یک از پژوهش‌های فوق، به‌بررسی انتقادی الگوی پایه و سپس آرایه پیشنهاد برای اصلاح و تکمیل آن نپرداخته‌اند که پژوهش حاضر بر این مسئله تمرکز دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ هدف، یک تحقیق توسعه‌ای محسوب می‌شود که می‌کوشد سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت را در خصوص توجه به هنر، بهبود و ارتقاء

بخشد. نوع این پژوهش، کیفی بوده و روش تحقیق آن، توصیفی تحلیلی است؛ توصیفی از آن جهت که وضع موجود سند الگوی پایه را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد و تحلیلی، از آن جهت که با بررسی شرایط بایسته هنر در تمدن نوین اسلامی، راهکارهایی را نیز مطرح می‌نماید.

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، بهره‌گیری از داده‌های کتابخانه‌ای است که به تحلیل آنها پرداخته می‌شود. در متن تحقیق، با بررسی انتقادی سند پایه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ابتدا نقاط ضعف این سند، از لحاظ توجه به مقوله هنر ارزیابی می‌شود و سپس وضعیت مطلوب پیشنهاد می‌گردد.

در ادامه، ابتدا مفاهیم نظری شامل هنر به مثابه یک پدیده تمدنی، جایگاه هنر در تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سند الگوی پایه معرفی می‌شود. سپس وضعیت فعلی هنر در سند الگوی پایه مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد. از آن جا که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، عرصه‌های اصلی نقش‌آفرینی جوانان در آینده انقلاب اسلامی را با نگاه به تمدن نوین اسلامی مشخص نموده است، با هدف استخراج برخی راه‌کارهای بهبود جایگاه هنر در سند الگوی پایه، به عنوان یک میان‌بر، به این بیانیه رجوع می‌شود و نهایتاً پیشنهادهایی برای بهبود وضعیت هنر در سند الگو، با بهره‌گیری از پژوهش‌های مرتبط، ارائه می‌گردد.

هنر به مثابه یک پدیده تمدنی

در این بخش، قصد بر این نیست که واژه هنر تعریف شود، بلکه مفهوم هنر با رویکرد تمدنی مد نظر است. هنر زبان گویای تمدن‌ها است که ارزش‌ها و مزیت‌های آن‌ها را لباس تجسم می‌پوشاند و از ساده‌ترین صنایع دستی تا پیچیده‌ترین فناوری‌ها را با خمیرمایه خلاقیت بشری پیوند می‌زند و آثاری ماندگار را فراتر از زمان و مکان، به یادگار می‌گذارد. با شناخت زوایای مختلف آثار هنری یک تمدن، می‌توان چارچوب‌های فکری و روح حاکم بر آموزه‌های آن تمدن را دریافت. هنر یکی از مهم‌ترین و چشم‌گیرترین جنبه‌های تمدن بشری است، انواع مختلف

هنرها در سطوح گوناگون، در تمامی جوامع و در همه ادوار حیات بشر وجود داشته است. با در نظر گرفتن تفاوت‌های ماهیتی، ساختاری و ظاهری تمدن‌ها با یکدیگر، قطعاً هنر نیز شرایط و خصوصیات مختلفی دارد، بروز ظواهر این خصوصیات و البته دستاوردهای آن، باعث تنوع در هنرهای هر تمدنی می‌شود. ضمن این‌که در چرخه‌های معکوس، هنر نیز با استفاده از بازخوردهای عوامل مؤثر، به ترمیم، جهت‌دهی و تشدید بسیاری از موارد مرتبط در آن تمدن کمک می‌کند. هنر همچنین بسته به شرایط، با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر به تقابل یا تعامل پرداخته، بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد یا تأثیر می‌پذیرد (مقدم‌پور، ۱۳۹۴: ۱۷۷).

هنر و فرهنگ دو مفهوم وابسته به یکدیگرند که لازم و ملزوم هستند. هنر بدون فرهنگ، فاقد هویت و محتواسست و فرهنگ بدون هنر، فاقد تعین و تجلی است. از این‌رو، سه مفهوم هنر و فرهنگ و تمدن، کاملاً درهم آمیخته و مکمل محسوب می‌شوند.

هنر شأنی از وجود انسان است که چکیده لایه‌های وجودی انسان را در خود داشته و آن‌ها را به هم پیوند می‌زند. از سویی فرهنگ را در کالبد و جلوه محسوس به تعین رسانده و از دیگر سو، به لحاظ جوهر انضمامی‌اش، تمدن را به عقبه‌ای از گرایش‌ها و عقلانیت‌ها منتسب می‌سازد. هنر کارش تجلی عینی و ملموس فرهنگ در ساختارها و کارکردهای گوناگون عاطفی، اندیشه‌ای و عینی است (سیاسر، ۱۳۹۴: ۲۶۹).

جایگاه هنر در تمدن اسلامی

نقش پررنگ هنر در تمدن‌های بشری، بر کسی پوشیده نیست.

«نقش و کارکرد هنر در جوامع امروزی، نقشی است سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده؛ نقشی که هم با تمدن‌های دیروز نسبت دارد و هم با تمدن‌های فردا. تعمق در معنا و کارکرد آن نشان می‌دهد بدون تردید سند ماندگاری و پایداری تمدن‌های گذشته و برنامه‌ای برای تمدن‌های آینده است. در این میان نقش و کارکرد تمدنی هنر در جهان اسلام ویژه

و منحصر به فرد است» (بلخاری، ۱۳۹۵: ۲۱).

این نقش تا حدی اهمیت دارد که شناخت و ذهنیت نسبت به بسیاری از تمدن‌ها، بر اساس آثار هنری آن‌ها صورت می‌گیرد. در تمدن اسلامی نیز این روال تداوم دارد و یکی از شاخص‌ترین مواردی که از حکومت‌های مختلف تمدن اسلامی بر جای مانده آثار هنری و معماری آن‌هاست، به‌طوری‌که

«هنر اسلامی، آینه تمدن اسلامی است. در آغاز، سادگی و صراحت آن با وضعیت عمومی قرون ابتدایی ظهور اسلام انطباق دارد، در سده‌های بعد، شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که به‌طور کلی به سمت رشد و توسعه عمومی و گاه در حدی وسیع و چشم‌گیر سوق می‌یابد، به‌وضوح در هنر بازتاب دارد» (مقدم‌پور، ۱۳۹۴: ۱۷۷).

در واقع هنر، در ماندگاری فرهنگ و تمدن اسلامی نقش به‌سزایی دارد، به‌طوری‌که ماندگاری آثار هنری، سبب مانایی فرهنگ اسلامی شده است.

«رجوع ما به تاریخ صنایع و آثار ماندگار هنر اسلامی در نقاط گوناگون جغرافیای جهان اسلام نیز مؤید مختصه ماندگاری این آثار است. در تمامی نقاط دنیا که فرهنگ و تمدن اسلامی حضور داشته یا دارد، ماندگاری هنر تمدنی اسلام قابل ردیابی است، به‌رغم شرایطی که بعضاً مناسب بقا هم نبوده است» (سیاسر، ۱۳۹۴: ۲۷۱).

البته برخی مستشرقین و افرادی که اکثراً از خارج از فرهنگ اسلامی، هنر اسلامی را مورد مطالعه قرار داده‌اند، به اشتباه، اسلام را مانع، مخالف یا فاقد هنر معرفی نموده‌اند، در حالی‌که

«اسلام نه تنها مانع هنرها نبود، بلکه گشاینده جهانی فراخ‌تر و متعالی‌تر در افق دیدگان هنرمندان بود. آثاری که در جهان اسلام متأثر از این نظر خلق گردید، امروزه از اعجاز‌های شگفت‌انگیز جهان هنر محسوب می‌شود و به‌تنهایی می‌تواند پرده از رخسار تمدنی بردارد که خلاقیت و زیبایی، از ارکان معنوی آن محسوب می‌شد. به اعتقاد بسیاری از متفکران هنرشناس، اگر همه وجوهات اسلام نادیده گرفته شود و تنها هنر و معماری آن مدنظر

قرار گیرد، کافی است تا به تنهایی، حقیقت و عظمت معنایی و معنوی این دین را به صورت کامل روشن و آشکار سازد. لکن نکته بسیار مهم و دقیق این که عظمت زیبایی و هنر اسلامی نه در جلوه‌های شکوهمند و خیره‌کننده آن، بلکه در مبانی نظری پنهان در بطن و مهم‌تر، آداب معنوی آن نهفته است. این آثار هنری گرچه نشان از مهارتی فوق‌العاده دقیق دارد، اما عمیق‌تر از آن، نشان عشقی است در جان و روح هنرمندان مسلمان که با حقیقت هنر زیسته و آن را وسیله ارتزاق و کسب نام و نان خویش ساختند» (بلخاری، ۱۳۹۵: ۲۳).

نقشی که هنر در تمدن اسلامی داشته، در تاریخ منجمد نشده و در طی قرون و اعصار تداوم داشته و در تمدن نوین اسلامی نیز استمرار خواهد داشت.

«تمدن نوین اسلامی، از آن جهت نوین خوانده شده است که می‌خواهد خود را با شرایط روز تطبیق دهد، زیرا خود بر پایه اصول و قوانین ارزشی و الهی استوار گشته و مبنای محتوایی مستحکمی دارد. بنابراین هدف اصلی تمدن نوین اسلامی، از نوساختن خود نبوده، بلکه اصلاح و به‌روز کردن صورت (فرم)‌های خود با هدف تأثیرگذاری بیشتر است. در این راه، هنر و زیبایی نقش تعیین‌کننده و تأثیرگذاری دارند. زیرا هنر علاوه بر داشتن جنبه زیبایی، می‌تواند عنصری مهم در هر فرهنگ و تمدنی باشد. حتی می‌توان هنر را به عنوان رسانه‌ای برای تمدن و زبان مشترک همه تمدن‌ها به حساب آورد» (پورمختار، ۱۳۹۶: ۶۰۸).

لذا با عنایت به این جایگاه، لازم است نگاهی کلان و تمدنی به مقوله هنر وجود داشته باشد.

«در واقع آن چه ما امروزه بدان نیازمندیم، ایجاد فهم تمدنی از دین است برای نظام‌سازی و تمدن‌سازی؛ در باب هنر هم قصه همین است و تا زمانی که به ظرفیت‌های هنر به‌طور حداکثری در مقیاس تمدنی نیاندیشیم، حرکت ما در احیای تمدن نوین ناقص بوده و در این راه، طرفی نخواهیم بست. پس اخذ رویکرد تمدنی به هنر و ایجاد فهم تمدنی از آن، لازمه

تمدن‌سازی است. لازمه فهم تمدنی هنر، توجه جدی به مطالعات هنر و تمدن با مقیاس جهان اسلام بوده و استخراج مسئله‌های میان‌رشته‌ای هنر و تمدن برای اندیشیدن و تولید راهبرد، جهت به‌عرصه عمل کشاندن ظرفیت‌های هنر اسلامی و هنرمندان مسلمان است» (سیاسر، ۱۳۹۴: ۲۷۶).

تمدن‌نویین اسلامی

«این هدف نهایی (هدف بلندمدت برای بیداری اسلامی) نمی‌تواند چیزی کم‌تر از ایجاد تمدن درخشان اسلامی باشد. امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به‌جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخ‌گویی به‌نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، می‌توان و باید مشاهده کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹).

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

«الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت عبارت است از نسخه‌ای راهبردی که مؤلفه‌های جهان‌بینی حاکم بر تمدن اسلامی ایرانی را ارائه می‌دهد و به‌عبارت دیگر، مدلی از خرد و اندیشه ایرانی است برای رسیدن به آرمان اسلامی» (سنچولی، ۱۳۹۲: ۸۱ به نقل از امرائی، ۱۳۸۸: ۴۲).

«الگوی پیشرفت، یک الگوی تئوری است؛ یعنی مجموعه نظام‌مندی از

مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها است که در ساختاری منطقی، وضعیت موجود را تحلیل، وضعیت مطلوب را تبیین و راهبرد حرکت از وضعیت موجود به مطلوب را ارائه دهد» (عیوضی، ۱۳۹۷: ۴).

از آن جایی که عنوان «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» توسط رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای وضع شده است، کامل‌ترین تعریف آن را نیز می‌توان از بیانات ایشان استخراج نمود. ایشان ناظر به این عبارت، واژگان الگو، ایرانی، اسلامی و پیشرفت را به روشنی شرح داده‌اند:

«(درخصوص) الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ... اولاً کلمه پیشرفت را ما با دقت انتخاب کردیم؛ تعمداً نخواستیم کلمه توسعه را به کار ببریم. علت این است که کلمه توسعه، یک بار ارزشی و معنایی دارد؛ التزاماتی با خودش همراه دارد که احیاناً ما با آن التزامات همراه نیستیم، موافق نیستیم ... در خصوص ایرانی بودن الگو، علاوه بر آن چه که دوستان گفتند که شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط فرهنگی، شرایط اقلیمی، شرایط جغرافیای سیاسی در تشکیل این الگو تأثیر می‌گذارد - که قطعاً این‌ها درست است - این نکته هم مطرح است که طراحان آن، متفکران ایرانی هستند؛ این کاملاً وجه مناسبی است برای عنوان ایرانی؛ یعنی ما نمی‌خواهیم این را از دیگران بگیریم؛ ما می‌خواهیم آن چه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت کشورمان می‌دانیم، آینده‌مان را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم. بنابراین، این الگو ایرانی است. از طرف دیگر، اسلامی است؛ به خاطر این که غایت، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت؛ یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است. ما یک جامعه اسلامی هستیم، یک حکومت اسلامی هستیم و افتخار ما به این است که می‌توانیم از منبع اسلام استفاده کنیم. خوشبختانه منابع اسلامی هم در اختیار ما وجود دارد؛ قرآن هست، سنت هست و مفاهیم بسیار غنی و ممتازی که در فلسفه ما و در کلام ما و در فقه ما و در حقوق ما وجود دارد. بنابراین اسلامی هم به این مناسبت

است. الگو هم نقشه جامع است. وقتی می‌گوییم الگوی ایرانی اسلامی، یعنی یک نقشه جامع. بدون نقشه جامع، دچار سردرگمی خواهیم شد؛ هم‌چنان که در طول این سی سال، به حرکت‌های هفت و هشتی، بی‌هدف و زیگزاگ مبتلا بودیم و به این در و آن در زدیم ... این الگو، نقشه جامع است؛ به ما می‌گوید که به کدام طرف، به کدام سمت، برای کدام هدف داریم حرکت می‌کنیم...» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰).

ایشان هم‌چنین به کارکرد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌عنوان یک سند بالادستی پرداخته‌اند:

«اگر ما توانستیم به‌حول و قوه الهی، در یک فرایند معقول، به الگوی توسعه اسلامی ایرانی پیشرفت دست پیدا کنیم، این یک سند بالادستی خواهد بود نسبت به همه اسناد برنامه‌های کشور و چشم‌انداز کشور و سیاست‌گذاری‌های کشور. یعنی حتی چشم‌اندازهای بیست‌ساله و ده‌ساله که در آینده تدوین خواهد شد، باید بر اساس این الگو تدوین شود؛ سیاست‌گذاری‌هایی که خواهد شد - سیاست‌های کلان کشور - باید از این الگو پیروی کند و در درون این الگو بگنجد» (همان).

سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت

گویاترین معرفی سند الگوی پایه، در مقدمه آن ذکر شده است:

«الگوی پایه، چارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و معرف سیر کلی تحولات مطلوب ایران در عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی به‌سوی تمدن نوین اسلامی ایرانی در نیم‌قرن آینده است. این الگو با مشارکت گسترده متفکران و صاحب‌نظران ایرانی و بر اساس جهان‌بینی و اصول اسلامی و ارزش‌های انقلاب اسلامی و با توجه به مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران، بر طبق روش‌های علمی و با استفاده از دستاوردهای بشری و مطالعه آینده‌پژوهانه تحولات جهانی طراحی شده است» (سند الگوی پایه، ۱۳۹۷: ۱).

«این سند، اهمّ مبانی و آرمان‌های پیشرفت را تدوین کرده و افق مطلوب کشور را در پنج دهه آینده ترسیم و تدابیر مؤثر برای نیل به آن را طراحي کرده است که با تحقق آن، که کاری عظیم و دشوار اما ممکن و شیرین است، کشور راه پیشرفت را خواهد پیمود و طلیعه مبارک تمدن نوین اسلامی ایرانی در زیست‌بوم ایران رخ خواهد نمود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۷/۲۲).

آیت‌الله خامنه‌ای این سند را در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۹۷ هجری شمسی ابلاغ نموده و در ضمن آن، وظایف بخش‌های مختلف کشور، از جمله مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، دولت، شورای عالی امنیت ملی، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صداوسیما و دستگاه‌های تبلیغی و اطلاع‌رسانی رسمی کشور را در قبال الگوی پایه مشخص نمودند. همچنین فراخوان دادند:

«دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و صاحب‌نظران، این سند را عمیقاً

بررسی نمایند و با رایۀ پیشنهادهای مشخص برای ارتقای آن، بیش از پیش در ترسیم هدف و مسیر پیشرفت کشور مشارکت جویند» (همان).

که پژوهش حاضر در پاسخ به این فراخوان، صورت پذیرفت. همچنین ایشان زمان تکمیل و ارتقای این سند و نیز اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را به‌طور دقیق، تعیین نمودند و در بندهای ۶ و ۷ ابلاغیه، بیان نمودند:

«مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با مشورت مراجع مخاطب در بالا، برنامه زمانی بررسی نسخه حاضر الگواز سوی آن‌ها را تنظیم و نظرات و پیشنهادهای تکمیلی را دریافت و دقیقاً بررسی و بهره‌برداری کند و ان‌شاءالله نسخه ارتقاء یافته الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را حداکثر ظرف دو سال آینده برای تصویب و ابلاغ ارایه نماید. پس از آن، برای آماده شدن همه دستگاه‌های کشور و کمک عمومی مردم برای اجرای الگو، زمانی اختصاص خواهد یافت، به‌طوری که ان‌شاءالله از ابتدای قرن پانزده هجری شمسی اجرای الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی با مقدمات کافی و سرعت مطلوب آغاز شود و امور کشور بر مدار آن قرار گیرد» (همان).

«انتشار این سند از آن جهت حایز اهمیت است که برخلاف مطالب قبلی که توسط مرکز الگو منتشر می‌شد و انعکاس نظرات شخصی نویسندگان مقالات بود، سند کنونی را می‌توان سندی رسمی دانست که نقد و بررسی آن فراتر از نقد و بررسی نوشته‌های اندیشمندان مختلف است» (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۸: ۱).

ساختار و محتوای سند الگوی پایه

سند الگوی پایه شامل مبانی، آرمان‌ها، رسالت، افق و تدابیر است.

«مبانی، اهم پیش‌فرض‌های اسلامی، فلسفی و علمی جهان‌شمول

معطوف به پیشرفت را ارائه می‌دهد» (سند الگوی پایه، ۱۳۹۷: ۱).

پس از مقدمه‌ای کوتاه، مبانی سند، بر این اساس دسته‌بندی شده است: مبانی خداشناختی (شامل ۴ بند)، مبانی جهان‌شناختی (شامل ۴ بند)، مبانی انسان‌شناختی (شامل ۷ بند)، مبانی جامعه‌شناختی (شامل ۹ بند)، مبانی ارزش‌شناختی (شامل ۴ بند) و مبانی دین‌شناختی (شامل ۵ بند). سپس به آرمان‌ها پرداخته شده است:

«آرمان‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ارزش‌های بنیادین فرازمانی و فرامکانی جهت‌دهنده پیشرفت است. مبنای‌ترین این ارزش‌ها، نیل به خلافت الهی و حیات طیبه است. اهم ارزش‌های تشکیل‌دهنده حیات طیبه عبارتند از: معرفت به حقایق، ایمان به غیب، سلامت جسمی و روانی، مدارا و هم‌زیستی با هم‌نوعان، رحمت و اخوت با مسلمانان، مقابله مقتدرانه با دشمنان، بهره‌برداری کارآمد و عادلانه از طبیعت، تفکر و عقلانیت، آزادی مسئولانه، انضباط اجتماعی و قانون‌مداری، عدالت همه‌جانبه، تعاون، مسئولیت‌پذیری، صداقت، نیل به کفاف، استقلال، امنیت و فراوانی» (همان: ۵).

در واقع، دو بخش «مبانی و آرمان‌ها، وجه اسلامیت الگو را تضمین می‌کنند» (همان: ۱). در ادامه، رسالت به این شکل بیان شده است:

«رسالت ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران، حرکت عقلانی، مؤمنانه

و متعهدانه در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی متناسب با آرمان‌ها در زیست‌بوم ایران است» (همان: ۵).

آن‌گاه، افق کشور در سال ۱۴۴۴ هجری شمسی در زمینه‌های مختلف مطرح شده است.

«افق، آرمان‌های الگو را بر جامعه و زیست‌بوم ایران در نیم‌قرن آینده تصویر می‌کند و هدف‌های واقعی آحاد مردم، جامعه و حکومت ایران را در آن موعد معین می‌سازد» (همان: ۱).

به‌عنوان نمونه، در بند آخر این بخش، جایگاه جمهوری اسلامی ایران چنین ترسیم شده است:

«در سال ۱۴۴۴ ایران از نظر سطح کلی پیشرفت و عدالت، در شمار چهار کشور برتر آسیا و هفت کشور برتر دنیا شناخته می‌شود و دارای ویژگی‌های برجسته جامعه اسلامی و خاستگاه تمدن نوین اسلامی ایرانی است» (همان: ۶).

سپس به‌تدابیر پرداخته شده و ۵۶ تدبیر مطرح شده است.

«تدابیر، تصمیمات و اقدامات اساسی و بلندمدت برای حل مسائل مهم کشور و شکوفا ساختن قابلیت‌های ماندگار ملی به‌منظور رسیدن به افق است» (همان: ۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وضعیت فعلی هنر در سند الگوی پایه

در وضعیت فعلی سند الگوی پایه ایرانی اسلامی پیشرفت، در پنج مورد به عرصه هنر اشاره شده است؛

۱. در بخش مقدمه به‌طراحی الگو با توجه به «مقتضیات اجتماعی و اقلیمی و میراث فرهنگی ایران» پرداخته شده که هنر را می‌توان از جمله «میراث فرهنگی ایران» برشمرد که به‌طور ضمنی به آن توجه شده است.

۲. بخش مبانی، زیربنای هر نوع کنش در عرصه‌های مختلف، از جمله هنر است. اما در همین بخش به‌طور خاص به هنر اشاره شده است. در بخش مبانی انسان‌شناختی

آمده است:

«بعد فطری او که ناشی از نفخه الهی است، منشأ کرامت ذاتی و نیز برخورداری از اوصاف خداپرستی، دین‌ورزی، کمال‌گرایی، حقیقت‌جویی، خیرخواهی، زیبایی‌گرایی، عدالت‌طلبی، آزادی‌خواهی و دیگر ارزش‌های متعالی است. چنان‌که بعد طبیعی او منشأ دیگر اوصاف و نیازهای مادی گوناگون است. انسان در کشاکش مقتضیات این دو دسته صفات و نیازها و تحقق معقول و متعادل آن‌ها به کمالات اکتسابی دست می‌یابد» (همان: ۳).

در این جا به‌طور مشخص به «زیبایی‌گرایی» که زمینه اصلی آفرینش و فهم هنر است، پرداخته شده است. در بخش‌های آرمان‌ها، رسالت و افق، اشاره مستقیم به مقوله هنر نشده است.

۳. در بخش تدبیر، علاوه بر این که ابزار اجرای بسیاری از تدبیرها، زبان هنر است، سه بند به‌طور مستقیم به قالب‌های هنری مربوط است. در تدبیر ۱۰ آمده است:

«اهتمام به احیا و توسعه نمادهای اسلامی ایرانی به‌ویژه در پوشش،

معماری و شهرسازی با حفظ تنوع فرهنگی در پهنه سرزمین» (همان: ۷).

در این تدبیر هم به‌موضوع احیا و گسترش نمادهای اسلامی ایرانی پرداخته شده که در حوزه هنر دارای اهمیت است و هم به قالب‌های طراحی مد و لباس، معماری و شهرسازی اشاره شده است.

۴. همچنین در تدبیر شماره ۱۹ مطرح شده:

«پی‌ریزی و گسترش نهضت کسب و کار هنرهای نمایشی و

کاربردهای فضای مجازی با استفاده از میراث فرهنگی و ادبی ایرانی

اسلامی و قابلیت‌های ملی و محلی مطابق تقاضا و پسند مخاطب منطقه‌ای

و جهانی» (همان: ۸)

که در آن، قالب‌های هنرهای نمایشی و ادبیات و نیز میراث فرهنگی مورد توجه واقع شده است.

۵. در تدبیر ۳۴ نیز گفته شده: «گسترش قطب‌های گردشگری طبیعی، فرهنگی،

مذهبی و سلامت با محوریت مناطق و مراکز هویت‌ساز» که قطب‌های گردشگری فرهنگی و مذهبی در بردارنده انواع هنرها از قبیل معماری، صنایع دستی، خط و کتابت و آثار هنری تاریخی متعددی هستند که به‌طور ضمنی مدنظر قرار گرفته است.

نقد و بررسی وضعیت فعلی هنر در سند الگوی پایه از آن جایی که

«این سند قرار است در آینده به‌عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری

کشور در حوزه‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد، بنابراین نقد منصفانه

آن، راه را برای سیاست‌گذاری بهتر در آینده هموار می‌سازد» (مرکز

بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۸: ۱)

در این بخش، بدون در نظر گرفتن ایراداتی که ممکن است به‌ساختار کلی سند

الگوی پایه وارد باشد، صرفاً به نقد و بررسی وضعیت موجود هنر در آن پرداخته می‌شود.

نخستین نقدی که می‌توان بیان نمود، میزان اهتمام به مقوله هنر در این سند است.

با عنایت به اهمیتی که هنر در تمدن‌های گوناگون و از جمله تمدن اسلامی داشته

است، به‌نظر می‌رسد میزان اهتمام به هنر در سند فعلی، ناکافی بوده و می‌بایست بیش

از این و به‌میزان بیش‌تری به هنر پرداخته می‌شد.

نکته دوم به این موضوع برمی‌گردد که در بخش تعیین‌کننده‌ای مانند افق، هیچ‌گونه

اشاره‌ای به هنر نشده و در واقع در چشم‌انداز سال ۱۴۴۴ نقش و جایگاه مشخصی

برای این عرصه تبیین نشده است.

نقد سوم به‌باز نمود مبنایی در بخش‌های دیگر اختصاص دارد که موضوع زیبایی‌گرایی

فطری بشر، در سایر بخش‌های سند، کارکرد و مابه‌ازا نداشته و مانند بسیاری از مفاد

قسمت مبنایی، مغفول مانده است.

چهارمین مورد را می‌بایست معطوف به‌چیدمان اشارات به هنر در بخش تدابیر

دانست که فاقد هر نوع ارتباط و انسجام با یکدیگر است. به این معنی که اشارات

سه‌گانه‌ای که در بخش تدابیر به هنر پرداخته‌اند، کاملاً پراکنده از یکدیگر و بدون ارتباط با هم هستند.

نکته پنجم به‌فقدان توجه به قالب‌های مختلف هنری برمی‌گردد که در سند فعلی مشهود است. در حال حاضر، به‌جز معماری، هنرهای نمایشی، طراحی مد و لباس و ادبیات، اشاره مستقیمی به سایر قالب‌های هنری نشده است.

موضوع بعدی به‌مسئله تولید علم بومی در عرصه هنر مربوط می‌شود که جای خالی آن در سند کاملاً محسوس است؛ در حالی که به‌طور مشخص به تولید علم در عرصه‌هایی مانند علوم انسانی، علوم پزشکی، فناوری و غیره پرداخته شده است. نهایتاً به‌نظر می‌رسد در تهیه سند الگو، صاحب‌نظران عرصه هنر نقش آفرینی کم‌رنگی داشته و یا توجه اندکی به نظرات آنان شده که امید است در تنظیم سند نهایی، این نقطه ضعف، جبران گردد.

در ادامه به‌منظور دستیابی به راه‌کارهایی برای رفع مشکلات و ایرادات مطروحه در حوزه هنر، ابتدا به‌صورت بسیار مختصر به اشارات بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در ارتباط با هنر پرداخته می‌شود، سپس پیشنهادهایی جهت ارتقای جایگاه هنر در سند الگوی پایه، ارایه می‌شود.

اشارات بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در ارتباط با هنر

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، عرصه‌های اصلی نقش‌آفرینی جوانان در آینده انقلاب اسلامی را با نگاه به تمدن نوین اسلامی مشخص کرده است که از برخی جهات می‌تواند در تکمیل سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت مورد استفاده قرار گیرد. در این بخش، با هدف استخراج برخی راه‌کارهای بهبود جایگاه هنر در سند الگوی پایه، به‌عنوان یک میان‌بر، به این بیانیه رجوع می‌شود.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای در ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ هجری شمسی خطاب به ملت ایران منتشر گردید و طی آن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی

به‌منظور جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ ارایه گردید. این بیانیه که فصل جدیدی در جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد، قصد دارد انقلاب اسلامی ایران را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی علیه السلام است، نزدیک نماید.

در بیانیه گام دوم، به‌طور مستقیم به‌مقوله هنر اشاره نشده، اما بر اساس مفادی که در خصوص آینده انقلاب مطرح شده است، می‌توان جایگاه بایسته بسیاری از عرصه‌ها، از جمله هنر در تمدن نوین اسلامی را استخراج نمود که بر اساس نظر نگارنده، حداقل در پنج مورد، این جایگاه بایسته، قابل تعریف است.

۱. «در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست

تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومی‌دی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است» (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۸).

در این بند، به‌سیاست مایوس‌سازی دشمن و لزوم جهاد امیدبخشی از طریق رسانه‌های صوتی و تصویری و اینترنتی اشاره شده که محتوای آن‌ها در قالب آثار هنری دیداری و شنیداری تولید شده و در رسانه‌ها منتشر می‌شوند. طبق این بند، می‌توان به‌لزام رایه تولیدات هنری و رسانه‌ای امیدآفرین در مقابله با یأس‌آفرینی دشمن، به‌عنوان یک تدبیر مهم دست یافت که از آن به‌عنوان «نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد» نام برده شده است.

۲. «ما هنوز از قلّه‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به‌قلّه‌ها دست

بایبیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم ... ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم، ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به‌دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به‌پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به‌شدت بیمناک است ناکام سازید» (همان: ۹).

یکی از بخش‌های مهم که لازم است از لحاظ علمی و پژوهشی مورد توجه واقع شده و کاستی‌های آن جبران شود، عرصه هنر است. به‌واسطه عدم جدیت در این بخش، در حال حاضر جایگاه کشور ما در پژوهش‌های علمی هنر در سطح شایسته و بایسته خود نیست که این مهم، می‌بایست در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مد نظر قرار گیرد.

۳. «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدّ معنویت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به‌دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به‌چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد و این البته به‌معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره پیش‌رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان‌شاءالله» (همان: ۹).

در این بند نیز به‌طور ضمنی به‌لزوم تولیدات هنری برای ارتقای اخلاق و معنویت در میان جوانان و نوجوانان اشاره شده که می‌تواند در کنار بند یک همین بخش، جهت‌دهنده محتوای آثار هنری باشد.

۴. «اقتصاد یک نقطه کلیدی تعیین کننده است. اقتصاد قوی، نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است» (همان: ۱۰).

آنچه از این بند می‌توان در باب هنر استخراج نمود، لزوم توجه به اقتصاد هنر، به‌عنوان یک تدبیر مشخص است که می‌تواند عامل مهمی برای سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری در آفرینش‌های هنری در ایران اسلامی باشد. بخشی از چرخه اقتصادی آثار و پدیده‌های هنری، می‌تواند به‌واسطه «بازار بزرگ ملی و بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت» (همان: ۸) که به‌عنوان بخشی از فهرست طولانی فرصت‌های مادی کشور در بیانیه ذکر شده، مشتریان تازه و بازارهای تازه‌ای بیابد.

۵. «غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زبان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به‌شما جوان‌ها است» (همان: ۱۲).

در این جا نیز بستر اصلی ترویج سبک زندگی، تولیدات هنری است که لازم است به‌طور جدی مورد توجه واقع شود. شاید از بخش‌های دیگر بیانیه گام دوم نیز بتوان به‌تدابیری برای تکمیل الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، دست یافت، اما آن چه در پنج بند فوق مطرح شد، به‌طور مشخص با عرصه هنر در ارتباط است.

پیشنهادها برای بهبود جایگاه هنر در سند الگوی پایه

بر اساس آن چه گفته شد، همچنین طبق پژوهش‌های مرتبطی که قبلاً صورت پذیرفته است، پیشنهادهایی مشخص، جهت ارتقای نقش هنر در سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، مطرح می‌گردد:

۱. در بخش افق، وضعیت کشور در سال ۱۴۴۴ از لحاظ آفرینش هنری و تولید علم بومی در عرصه هنر در میان کشورهای منطقه غرب آسیا مشخص گردد.
۲. به منظور بیان عملیاتی بخشی از مبانی که به‌وجه زیبایی‌گرایی فطری بشر اشاره نموده است، در بخش تدابیر، سازوکاری برای افزایش سواد هنری و ارتقای ذائقه و سلیقه مردم، جهت انتخاب محصولات فاخر هنری در تزئینات بناها، پوشش فردی، ظاهر تولیدات صنعتی، بسته‌بندی‌ها و غیره، مد نظر قرار گیرد.
۳. ترتیب بیان تدابیر، بازطراحی شده و کلیه مواردی که به‌حوزه هنر مربوط می‌شود، از پس یکدیگر مطرح شود.
۴. در خصوص سایر قالب‌های هنری از قبیل هنرهای سنتی، طراحی صنعتی، موسیقی و هنرهای آوایی، هنرهای محیطی، گرافیک، نقاشی، پویانمایی، خوشنویسی و غیره، تدابیر و برنامه‌های مشخصی تدوین گردد.
۵. چند بند از تدابیر به‌صورت مجزا به پژوهش و تولید علم بومی پرداخته‌اند. می‌توان این بندها را در یک تدبیر قرار داد و عرصه هنر را نیز به آن‌ها افزود.
۶. بر اساس بندهای ۱، ۳ و ۵ همین مقاله در بخش بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، تولید آثار فاخر هنری، خصوصاً آثار دیداری و شنیداری با هدف امیدآفرینی، ارتقای اخلاق و معنویت و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی، در بخش تدابیر مورد توجه قرار گیرد.
۷. یکی از تدابیر به‌طور مستقل به تقویت اقتصاد آثار و پدیده‌های هنری خصوصاً با تمرکز بر بازار بزرگ ملی و بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت توجه نماید. این نکته می‌تواند مکمل تدبیر شماره ۱۹ فعلی باشد که به کسب و کارهای هنرهای نمایشی اشاره داشته و اتفاقاً از بازارهای منطقه‌ای و جهانی سخن گفته است.
۸. بر اساس مقاله «طرح پیشنهادی برای پیشرفت هنرهای سنتی در چهارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» (ملایی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۸-۱۴۹)، به‌منظور حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب در خصوص هنرهای سنتی، لازم است

راهبردهای کلانی مد نظر قرار گیرد که اهم آن‌ها عبارتند از اصلاح مدیریتی، توسعه گردشگری، ایجاد قابلیت رقابت بین‌المللی برای هنرهای سنتی ایرانی، تمرکز همه فعالیت‌های هنرهای سنتی در نهادی منسجم و مسئول، فرهنگ‌سازی برای افزایش سهم هنرهای سنتی در سبد خرید مردم، افزایش میزان تنوع هنرهای سنتی، افزایش کیفیت، کنترل و نظارت کیفی، استانداردسازی، افزایش زمینه‌های کاربردی آثار هنرهای سنتی، افزایش اعتماد جامعه، ایجاد جذابیت برای سرمایه‌گذاری خصوصی، افزایش سهم مدیریت خصوصی بر هنرهای سنتی و نامان‌سازی. پیشنهاد می‌شود در بخش تدابیر، به‌طور خاص برای حفظ، احیا و گسترش هنرهای سنتی، سازوکاری در نظر گرفته شود.

۹. بر اساس مقاله «بازتعریف محتوای متون تاریخ هنر بر اساس آموزه‌های اسلامی» (نوریان و مهدی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۲۷۹)، با وجود اهمیت فراوان متون تاریخی در شکل‌دهی به اندیشه بشری، در بررسی محتوای تاریخ هنر و تمدن می‌توان گفت که تاریخ هنر مرسوم، جوابی هم‌سو با معارف ادیان ابراهیمی برای مسئله بشر اولیه و تحول آغازین تاریخی ندارد و مطابق نگاه‌های مادی‌گرایانه و بر پایه نظریه‌های تکاملی، با اصالت دادن به تمتع آدمیان، به‌مثابه گونه‌ای از حیوانات - با فصل ممیزه هوش بشری - آن را تفسیر می‌کند. بر اساس این نکته، لزوم تاریخ‌نگاری و خصوصاً تاریخ هنر برای تمدن ایرانی اسلامی بسیار حایز اهمیت است که می‌تواند در بخش تدابیر مورد عنایت قرار گیرد.

۱۰. بر اساس مقاله «واکاوی هنر ناپسند از دیدگاه نهج البلاغه به‌عنوان شاخصی برای تعیین چارچوب‌های هنر در تمدن نوین اسلامی» (خراسانی زاده و اقبالی، ۱۳۹۶: ۱۱۶)، نباید‌های هنر در نگاه امام علی (ع) در چهار دسته مطرح شده که می‌تواند در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مورد توجه واقع شود که عبارتند از هنر به‌مثابه ابزار تکبر و فخرفروشی، هنر فریب‌دهنده و همراه‌کننده، هنر مبتنی بر دنیاطلبی و نهایتاً هنر عامل گناه و هوسرانی.

۱۱. نهایتاً پیشنهاد می‌شود در هر یک از قالب‌ها و عرصه‌های مختلف علمی

و عملی هنر، از صاحب‌نظران و هنرمندان متخصص و خوش‌نام ایرانی برای بهبود وضعیت فعلی هنر در سند، دعوت به‌عمل آید و نکات ایشان مد نظر قرار گیرد.

نتیجه

نظر به اهمیت ویژه هنر در تمدن‌های بشری، این پژوهش در پاسخ به‌فراخوان رهبر انقلاب اسلامی مبنی بر مشارکت دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه و صاحب‌نظران، در بررسی سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت و ارایه پیشنهادهای مشخص برای ارتقای آن، صورت پذیرفت و تلاش شد تا جایگاه هنر را در این سند، مورد مطالعه قرار داده و راه‌کارها و پیشنهادهایی را برای تکمیل این سند در عرصه‌های مرتبط با هنر، ارایه نماید. سؤال اصلی پژوهش این بود که حوزه‌های مرتبط با هنر، به چه میزان در الگوی پایه مورد توجه قرار گرفته است؟ و سؤال دیگر این که چه پیشنهادهایی را می‌توان برای تکمیل سند الگوی پایه در عرصه هنر مطرح نمود؟

لذا به‌منظور پاسخ به‌سؤالات پژوهش، ابتدا به بررسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سپس سند الگوی پایه پرداخته شد و وضعیت فعلی هنر در این سند، بررسی شد که مشخصاً در پنج قسمت از سند الگوی پایه، به‌انحاء مختلف، به‌مقوله هنر اشاره شده بود و این وضعیت مورد نقد قرار گرفت. سپس به جایگاه هنر در تمدن اسلامی پرداخته شد و به‌عنوان یک مسیر میان‌بر در استخراج راه‌کارهای عملیاتی برای بهبود جایگاه هنر در سند مذکور، به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مراجعه شد تا پیشنهادهایی از آن استخراج گردد.

نهایتاً یازده پیشنهاد مشخص، ارایه گردید که می‌تواند وضعیت فعلی سند را ارتقا بخشد. از این یازده مورد، یک مورد به‌بخش افق سند مربوط می‌شود، هشت مورد به‌بخش تدابیر اختصاص دارد و دو مورد نیز پیشنهادهای کلان در بازتدوین سند الگوی پایه هستند.

امید است هنرپژوهان، بررسی و ارایه نظر در خصوص این سند که ترسیم‌کننده نقشه راه کشور در پنج دهه آینده است را جدی گرفته و با ارایه راه‌کارهای علمی و

متقن خود، گامی در راستای اعتلای هنر ایران اسلامی بردارند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

اسماعیلی، بشیر و کافی، مجید، (۱۳۹۷)، «ضرورت توجه به نقش هنر در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت جهت تأمین امنیت نرم جمهوری اسلامی ایران»، مقالات هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

امرائی، حسن، (۱۳۸۸)، مهندسی سیاست، تهران: شوکا. بلخاری، حسن، (۱۳۹۵)، «هویت و کارکرد متمایز هنر در تمدن اسلامی و لزوم تدوین مبانی و احیای آداب آن»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد.

پورمختار، صدیقه، (۱۳۹۶)، «ضرورت گفتمان هنری در تمدن نوین اسلامی»، مجموعه مقالات سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد، صص ۵۹۵-۶۱۰.

جمعی از صاحب نظران، (۱۳۹۷)، الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

جمعی از صاحب نظران، (۱۳۹۸)، بررسی انتقادی الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: مرکز بررسی های استراتژیک ریاست جمهوری.

خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۸۳)، «بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما»، ۱۳۸۳/۲/۲۸، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای،

تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۲/۱۱، نشانی: <http://farsi.khamenei.ir/speech-con-tent?id=3232>

خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۸۹)، «بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی»،

۱۳۸۹/۹/۱۰، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای،
تاریخ مراجعه ۱۳۹۸/۱۱/۵، نشانی: <http://farsi.khamenei.ir/speech-con-tent?id=10664>

خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۲). «بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی»،
۱۳۹۲/۲/۹، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای،
تاریخ مراجعه ۱۳۹۰/۱۱/۱۰، نشانی: <http://farsi.khamenei.ir/speech-con-tent?id=22405>

خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۷)، «ابلاغ الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت»، ۱۳۹۷/۷/۲۲،
پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تاریخ مراجعه
۱۳۹۸/۱۱/۵، نشانی: <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=40693>

خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۷)، «بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت
ایران»، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله
خامنه‌ای، تاریخ مراجعه ۱۳۹۸/۱۱/۵، نشانی: farsi.khamenei.ir/ndata/news/41673/971122.pdf

خراسانی‌زاده، محمد و اقبالی، پرویز، (۱۳۹۶)، «واکاوی هنر ناپسند از دیدگاه نهج‌البلاغه
به‌عنوان شاخصی برای تعیین چارچوب‌های هنر در تمدن نوین اسلامی»، عصر
آدینه، ۱۰ (۲۴)، صص ۱۰۳-۱۲۰. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ستاری ساربانقلی، حسن، (۱۳۹۵)، «طراحی معماری مسجد برگرفته از قرآن کریم
در راستای خلق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای معماری مسجد»، مقالات
پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پایه پیشرفت، تهران:
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

سنچولی، زینب، (۱۳۹۲)، «تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مطالعات
الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، ۲ (۳)، صص ۷۷-۱۰۲.

سیاسر، مصطفی، (۱۳۹۴)، «تأملی بر ظرفیت‌های تمدنی هنر اسلامی»، اندیشه
تمدنی اسلام، ۱ (۱)، صص ۲۶۴-۲۷۶.

عیوضی، محمد رحیم، (۱۳۹۷)، «آینده‌نگاری و حرکت از الگوی پایه به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، مقالات هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

کردلویی، ملیکا؛ رستمی، محمدحسن و ایروانی نجفی، مرتضی، (۱۳۹۶)، «اهل بیت علیهم‌السلام طلایه‌داران خوش‌خوانی قرآن کریم»، سیره‌پژوهی اهل بیت علیهم‌السلام. ۳(۵)، صص ۹-۲۶.

مقدم‌پور، ناصر، (۱۳۹۴)، «تبیین ماهیت و ظاهر هنر اسلامی به‌عنوان عاملی مؤثر در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی و جهانی شدن آن»، مقالات نخستین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، تهران: دانشگاه شاهد.

ملایی، اعظم؛ مظاهری، محمد مهدی و کافی، مجید، (۱۳۹۲)، «طرح پیشنهادی برای پیشرفت هنرهای سنتی در چهارچوب الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، ۲(۴)، صص ۱۳۵-۱۵۵.

نوریان، یحیی و مهدی‌نژاد، محمدجواد، (۱۳۹۴)، «بازتعریف محتوای متون تاریخ هنر بر اساس آموزه‌های اسلامی»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، ۲(۷)، صص ۲۵۱-۲۸۴.

The Position of Art in the Basic Islamic Iranian Pattern of Progress

Mohammad Khorasanizade / Ph.D. Student in Comparative and Analytical History of Islamic Art, Faculty of Art, Shahed University, Tehran, Iran.*

honarenab@gmail.com

Received: 2020/10/6 - **Accepted:** 2020/11/21

Abstract

Art is the language of civilizations and the means of objectifying their culture and beliefs. In future human civilizations, art has an important role in all stages of formation, consolidation, and expansion, and if a roadmap and a model for achieving a new Islamic civilization are to be considered, it is necessary to closely link artistic phenomena with this civilization, as an influential and guiding component should be considered. The basic model determines the frameworks of the Iranian Islamic model of progress, which is supposed to determine the desired path of the country towards the new Islamic civilization in the next half-century, along with a call for its completion and promotion by the Leader of the Islamic Revolution, Ayatollah Khamenei, in public published. The present article, in response to this call and order to the in-depth and specialized review of this document, has been written in the field of art to assess how much art has been considered in the basic model? This article also seeks suggestions and solutions to improve the basic pattern document in art-related topics. This research is developmental in terms of purpose and its method is qualitative research with a descriptive-analytical approach and based on some library sources along with the analysis and points of view of the researcher and the scientific achievements of researchers, is presented. In addition to this research, it was found that in the whole basic document, only five times, in a scattered and unorganized manner, the categories related to art are dealt with and there is significant neglect of the field of art in the document. Therefore, 11 specific proposals were presented to complete and upgrade the basic model document in this area.

Keywords: art, basic pattern, Iranian Islamic pattern of progress, new Islamic civilization, Islamic revolution of Iran.